

کدام اموال بدهکاران را نمی توان توقیف کرد؟

مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد...



مطمئناً در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون است که مهمترین اثر این آشنایی و آگاهی را می توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست؛ بنابراین، امروز تلاش داریم تا موضوع مستثنیات دین را بررسی کنیم.

همیشه محکوم له یا طلبکار مجبور است با توسل به حکم یا دستور مراجع قضائی یا ثبتی، اموال بدهکار یا مدیون را معرفی، توقیف و مزایده گذاشته و نهایتاً طلب خود را از آن وصول نماید، از طرفی هم محکوم علیه، طبق شرع مقدس اسلام و قوانین موضوعه حق حیات خود را از دست نمی دهد و مصلحت زندگی او هم ایجاب می کند که برخی اموالش از توقیف و مزایده مصون بماند، بنابراین اموالی را که جزء ضروریات زندگی مدیون باشد قانونگذار از توقیف معاف دانسته و به عنوان مستثنیات دین شناخته و پذیرفته است.

اگر بخواهیم تعریفی از مفهوم مستثنیات دین بیان کنیم، با مراجعه به ترمینولوژی حقوق می بینیم که در تعریف آن چنین نوشته شده: اموالی که برابر قانون در هنگام اجرای احکام و قرار یا سند رسمی مشمول مقررات اجرا نبوده و توقیف نمی شود و به ضرر مالک مدیون به فروش نمی رسد.

قوانین در طول زمان به بیان این مفهوم پرداخته اند؛ در ادامه مصوبه و مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۲ را در این رابطه بیان می کنیم.

در این مصوبه موارد مشمول عنوان مستثنیات دین به شرح زیر است:

منزل مسکونی که عرفاً در شأن محکوم علیه در حالت اعسار او باشد؛

اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و افراد تحت تکفل او لازم است؛

آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم علیه و افراد تحت تکفل او برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می شود؛

کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنها؛

وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه وران، کشاورزان و سایر اشخاصی که برای امرار معاش ضروری آنها و افراد تحت تکفلشان ضروری است؛

تلفن مورد نیاز مدیون؛

مبلغی که در ضمن عقد اجاره به عنوان قرض به موجر پرداخت می شود، مشروط بر اینکه پرداخت اجاره بها

بدون آن موجب عسر و حرج گردد.

مستثنیات دین چیست؟

ذکر چند نکته در این رابطه ضروری است:

در صورتی که مسکن مورد نیاز محکوم¹؛ علیه، زائد بر نیاز و شأن او باشد، دادورز مجاز به توقیف و فروش آن است. بدین نحو که وجه حاصل از فروش را به دو بخش تقسیم می²؛ کند، بخشی برای خرید مسکن مناسب توسط محکوم³؛ علیه و بخشی برای پرداخت بدهی وی. اما عموماً دادگاه⁴؛ ها از اقدامات این چنینی اجتناب می⁵؛ کنند و تنها اگر محکوم⁶؛ علیه دو باب منزل مسکونی داشته باشد، برای توقیف یکی از آن دو، اقدام می⁷؛ کند.

در رابطه با خودرو نیز مطابق نظری که توسط اداره⁸؛ ی کل حقوقی قوه⁹؛ قضائیه مطرح شده، خودرو جزو مستثنیات دین نیست و تنها تا کسی که مشخصاً وسیله¹⁰؛ ی امرارمعاش است، قابل توقیف نیست و دیگر وسایل نقلیه حتی اگر برای مسافركشی هم استفاده شوند، جز مستثنیات دین نیستند و قابل توقیف¹¹؛ اند.

در خصوص تلفن منزل یا تلفن همراه دادگاه باید به تشخیص برسد. اگر عرفاً برای کسانی در وضعیت و موقعیت شغلی و اجتماعی محکوم¹²؛ علیه تلفن منزل یا تلفن همراه ضروری یا به¹³؛ عنوان وسیله¹⁴؛ ی کار باشد، جز مستثنیات دین هست، اما اگر بیش از یک خط تلفن باشد به¹⁵؛ نظر می رسد قابل توقیف باشد.

در مورد ودیعه¹⁶؛ ی مسکن نیز نباید میزان آن فراتر از عرف باشد و اگر چنین باشد میزان فراتر از عرف قابل توقیف است.

به¹⁷؛ طور کلی تصمیم دادگاه صادرکننده¹⁸؛ ی حکم لازم¹⁹؛ الاجرا، در خصوص تشخیص مستثنیات دین بودن مال توقیف²⁰؛ شده، دستور تلقی می²¹؛ شود و قطعی و غیرقابل²²؛ اعتراض است.

در رابطه با این مسئله یک مشکل مطرح است؛ به موجب قانون، طلب²³؛ کار مکلف است اموال بدهکار را به دایره²⁴؛ ی اجرای احکام معرفی کند که این امری غیرمنطقی و غیرمعقول است؛ به این²⁵؛ دلیل که اغلب افراد از دارایی²⁶؛ ها و حساب²⁷؛ های بانکی یکدیگر بی²⁸؛ اطلاع هستند. و همچنین در جامعه²⁹؛ ی امروزی متأسفانه به³⁰؛ خاطر تنزل اخلاقی، افراد حاضر به پرداخت دیون خود نیستند؛ به همین خاطر، بدهکار به محض آگاهی از اقدامات طلبکار برای وصول دین، عموماً اقدام به انتقال اموال خود به نزدیکان و اغلب اعضای خانواده خود می³¹؛ کنند تا در هنگام صدور اجراییه، خویش را معسر نشان بدهند و مدعی شوند به جز مستثنیات دین، چیز دیگری ندارند.